



۲۰۱۶/۰۹/۱۸



بصیر صباح

چهره های تاریخی

بخش دوم

سلطان حسین بایقرا

تحقیق و نگارش بصیر صباح



"بایقرا" از حامیان بزرگ علم و فضل و از طرفداران جدی ادبیات و صنعت بود. وی از شاهزادگان گورکانی است که نخست تحت حمایت "الغ بیك" بود و چون وی و پسرش "عبداللطیف" به قتل رسیدند، "ابوسعید" او را به حبس افکند، "سلطان حسین" از حبس گریخته به "ابوالقاسم بابر" پیوست و با او فرار کرد و در سال هشتصد و شست و دو استرآباد را تسخیر کرد و در آنجا به شاهی نشست. بعد از مرگ "ابوسعید"، "سلطان حسین" هرات را گرفت و در سال هشتصد و هفتاد و دو هجری به تخت نشست. دربار "سلطان حسین بایقرا" در هرات مجمع اهل دانش و کمال بود و لطفش شامل حال سخنوران و قلم بدستان گردیده و از این حیث نام خود را به عنوان یکی از بزرگترین معارف پروران باقی گذاشته است.

تقویم عملکردهای بایقرا

سلطان حسین بایقرا ابن امیرمنصور بن بایقرا بن عمر شیخ بن تیمور گورکانی معروف به «خاقان منصور» و معزالسلطنه و ابوالغازی آخرین از امرای تیموری. پادشاه ادب پرور و هنردوست بود و وزیر معروفش امیرعلی شیر نوایی است که موجب شهرت دربار او و آبادانی پایتختش هرات شده بود. در سال ۸۶۱ ه. ق. که خراسان آشفته

شده بود، در شهر مرو به پادشاهی نشست و در ذی‌حجه ۸۶۲ هـ. ق. ۱۴۵۹ م. استرآباد را فتح کرد و در سال ۸۷۳ هـ. ق. ۱۴۶۹ م. هرات را تسخیر نمود و در ۸۷۴ با میرزا یادگار محمد جنگید و در اواخر سال ۸۷۵ هـ. ق. با سلطان محمود جنگید و تا سال ۹۰۲ در غایت دولت و اقبال حکومت کرد. و در سال ۹۱۱ هـ. ق. ۱۵۰۶ م. درگذشت. اثری موسوم به مجالس العشاق و اشعاری به پارسی و ترکی دارد و تخلصش حسینی بوده است.

دربار هرات - دربار او یک مرکز درخشان از ادب و هنر عصر بود. به طوریکه هرات کانون بزرگی از فرهنگ و دانش عصر به شمار می رفت. وزیر دانشمند، شاعر و نویسنده، امیر علی شیر نوایی، روح واقعی این کانون و حامی و مربی دانشمندان و هنر پروران وابسته به دربار سلطان حسین بایقرا بود. در این کانون پر آوازه افرادی همچو عبدالرحمن جامی، شاعر و عارف نامدار، کمال الدین بهزاد، نقاش و صنعتگر معروف، و میر خواند مؤرخ مشهور عصر، درخشیدند. همچنین پاره ای از علمای معروف نیز در هرات پرورش یافتند و توسط سلطان حمایت شدند. از میان ایشان نام ملا حسین واعظ کاشفی معروف است. به علاوه در مدرسه بزرگی که سلطان به وجود آورد، هزاران عالم و طالب علم به حمایت سلطان و وزیرش، سرگرم تحصیل و تحقیق و تألیف بودند.

زاممداری بایقرا

بایقرا در شمار اندک فرمانروایان تاریخ است که نه تنها برای پیشبرد فرهنگ تلاش کرد، بلکه خود از جمله شاعران و نویسندگان قرن نو/ ق. به شمار می آید. آثار متعددی به نظم و نثر از وی برجای مانده است - رساله معمی، به شعر که از طبع آزمایی‌های رائج آن زمان بوده است؛ مناظره گل و مل، در قالب مثنوی که نسخه دستنویس آن موجود است؛ دیوان منظوم ترکی، که اشعار آن در قالب غزل و در بر گیرنده مضامین عاشقانه است؛ و رساله منثور به زبان ترکی که در آن اندیشه ها و عقاید خود را همراه با شرح مختصری از وضعیت فرهنگی عصر خویش بیان کرده است. اثر معروفی که به غلط به وی نسبت داده شده مجالس العشاق است که نویسنده واقعی آن، کمال الدین حسین گازرگاهی، از معاصران و نزدیکان حسین بایقراست.

در دوره زاممداری او، بناهای متعددی به منظور پیشبرد فرهنگ احداث گردید. خواندمیر در خلاصه الاخبار به ذکر نمونه های مختلفی از مدرسه، مصلی، خانقاه، دارالشفاء، و جز آن در هرات و سایر مناطق خراسان می پردازد که همگی در زمان حسین بایقرا و با حمایت های وی بنا گردیده است.

اشتقاق به کتاب و کتابخانه

اشتقاق او به کتاب و کتابخانه را می توان پیش از آغاز زاممداری وی نیز مشاهده کرد. به گفته بنایی هروی (قرن ده.ق.) هنگامی که وی مجبور شد اردوی خود را در خوارزم برجای گذارد و از مقابل سپاه ابوسعید گورکان فرار کند، آنچه برای دشمن باقی گذاشت، کتابخانه اش بود؛ و اضافه می کند که یکی از سرداران ابوسعید به نام امیر بیگ آتا وارد کتابخانه شد و چند جلد کتاب نفیس را به غنیمت برد که از آن جمله کتابی از مولانا احمد رومی (قرن هشت - ق.) بوده است. در سال های زاممداری او، کتابخانه ها از رونق کم نظیری برخوردار بودند.

علاوه بر مدارس متعددی که در آنها کتابخانه احداث گردیده بود، دربار او در هرات نیز کتابخانه مجلل و باشکوه داشت و خوش نویسانی چون سلطانعلی مشهدی، خواجه محمد حافظ، مولانا زین الدین محمود، و سایر خوش نویسان زبده در آنجا کتابت کرده اند. نقاشان متعددی نیز در این کتابخانه به کتاب آرای مشغول بوده اند، که بلند آوازه ترین

آنها، کمال‌الدین بهزاد، نقاش نامدار اواخر تیموری است. میرک نقاش، مولانا حاجی محمد، مولانا محمد، و قاسم علی چهره گشا از دیگر نقاشان کتابخانه حسین بایقرا بوده اند.

در منابع عصر تیموری، اشاره روشنی به نام رئیس کتابخانه حسین بایقرا صورت نگرفته ولی ظاهراً مدتی، میرک نقاش فوق الذکر عهده دار این سمت بوده است. نظامی باخزری (قرن نو - ق.) در منشاء الانشاء، منشوری از جانب حسین بایقرا با عنوان فرمان کتابداری کتابخانه همایون آورده که متأسفانه مخاطب نامه ذکر نگردیده است. در بخشی از این فرمان، که با نثری متکلف و با ذکر مقدمه ای در اهمیت کتاب و کتابخانه تنظیم گردیده، چنین آمده است:

«بر ناظران فواید کتابخانه افکار، و متمتعان از فواید شعور، پوشیده نماند... روضه خزانه ما را که مشرع و منبع عیون معارف و عوارف است، به واسله ینابیع مجمل و مفصل، و اصول و فروع مختصر، و مطول و معقول و مسموع، بر خوبتر هیأتی نمودار گلستان فردوس و بوستان جنان گردانیدیم و مقالید اختیار ضبط و ربط کتابخانه همایون را که مفتاح کنز حقایق و ایضاح رمز دقایق است... به ید استحقاق ... سپردیم».

کتابخانه های دیگری نیز در عصر حسین بایقرا وجود داشته که وابسته به دیگر مقامات و صاحب منصبان تیموری بوده است. از جمله این اشخاص باید از وزیر نامدار حسین بایقرا، امیر علی شیر نوایی، نام برد که در سراسر کشورش کتابخانه های متعددی را بنا نهاد. احمد میرزا، نواده میرانشاه بن تیمور، کتابخانه ای در شهر هرات ساخت و کتاب های نفیسی بر آن وقف کرد. از فرزندان حسین بایقرا می توان به فریدون حسین میرزا اشاره کرد. ریاست کتابخانه اول بر عهده نصیرالدین خطاط بود که فرمان کتابداری وی در بدایع الوقایع و اصفی هروی (قرن ده / ق.) آمده است. حسین بایقرا در یازدهم ذیحجه سال نه صد و یازده / ق. در منطقه بابا الهی بادغیس درگذشت و در شهر هرات دفن گردید. با مرگ وی، سلسله تیموریان (هفتصد و هفتاد و یک - نه صد و یازده / ق.) منقرض گردید، اما برخی شاهزادگان تیموری، حکومت های محلی و کوتاه مدتی را در نقاطی از قلمرو شان و ماوراءالنهر در اختیار داشتند.

خوشنویس دربار کی بود؟؟؟

میر علی سادات حسینی هروی از خوشنویسان دربار وی بوده است.

میر علی سادات حسینی هروی (متوفی ۹۵۱ هـ) معروف به میر علی هروی و مولانا میرجان و ملقب به کاتب سلطانی از نستعلیق نویسان به نام و از خوش نویسان بزرگ قرن دهم هجری در دربار سلطان حسین بایقرا است. میر علی الحسینی خطاط مشهور به هروی اهل هرات بوده او در هرات در خانواده سید به دنیا آمد.

خانواده آن ها در ۱۵۰۶ م/ ۹۱۱ هـ.ق به مشهد کوچ کردند ولی به زودی به هرات باز گشتند و در همانجا ماندگار شدند. تا اینکه در سال ۱۵۲۸ م/ ۹۳۵ هـ.ق عبیدالله یا عبید خان از یک این شهر را تسخیر و میر علی هروی را با خود به بخارا برد. میر علی هروی تا هنگام مرگش در حدود ۱۵۴۴ م/ ۹۵۰ هـ.ق در این شهر کار می کرده است. او در ۱۵۱۹ م/ ۹۲۵ هـ.ق یعنی هنگامی که در هرات می زیسته کتاب بوستانی را نوشته که اکنون در موزیم اسلامی و ترکی در استانبول نگهداری می شود. او از سادات حسینی و از اهالی هرات بود که لقب کاتب السلطانی داشته است.

او شاگرد زین الدین محمد و سلطان علی مشهدی بود که از هر دو استاد پیشی گرفت. میر علی هروی در سال ۹۳۵ به اجبار به شهر بخارا برده شد و تا سال ۹۶۰ که درگذشت در همان شهر با افسردگی روزگار می گذرانید. از آثار منثور او رساله مدادالخطوط را می توان نام برد.

او برخی از آثارش را با امضاء میرعلی الکاتب السلطانی رقم زده است.
این شعر از اوست:

عمری از مشق دوتا بود قدم همچون چنگ
تا خط من بیچاره بدین قانون شد
طالب من همه شاهان جهانند ولی
در بخارا جگر از بهر معیشت خون شد
سوخت از غصه درونم چکنم چون سازم
که مرا نیست از این شهر ره بیرون شد
این بلا بر سرم از حسن خط آمد امروز
و ه که خط سلسله پای من مجنون شد

دانش دوستی و هنر پروری بایقرا

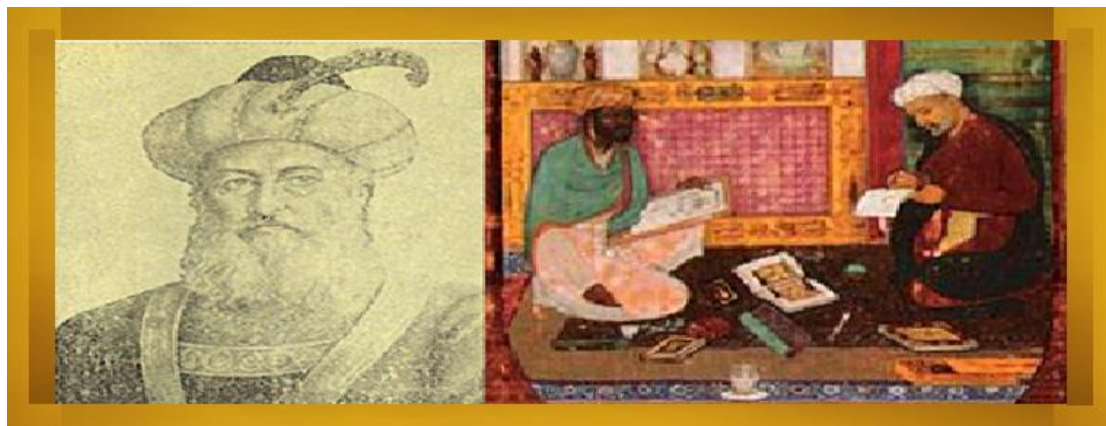
سلطان حسین بایقرا پشتیبان جدی دانش و هنر بود و در زمان او شهر هرات رونق افزونتری یافت. دوران فرمانروایی او را می توان از نظر مرکزیت علمی و ادبی و هنری شهر هرات یکی از ادوار بسیار مهم برشمرد. عموم نویسندگان آن روزگار رونق علمی - ادبی شهر هرات را ستوده و عامل اصلی آن را سیاست های عالمانه سلطان حسین بایقرا دانسته اند ؛ چنانکه دولتشاه سمرقندی در تذکرة الشعراء خویش در مورد رونق هرات و سبب آن چنین سروده است :

هر جا که بی عنایت تو در جهان
تابوت و دار بود کنون تخت و منبر است
دارالامان تخت هری با وجود تو
رشد بهشت و شمع اقلیم و کشور است

ملایمت طبع و حسن شفقت و عطوفت سلطان حسین بایقرا او را مافوق معاصرین خویش قرار داده بود. او دربار خود را به مرکز بسیار درخشان و تابان از جهت علم و ادب تبدیل کرده بود. در حقیقت ؛ شمار بسیاری از شاعران و مؤرخان و مؤلفان نامدار در این مرکز در سایه عنایت سلطان مجتمع و از توجهات او برخوردار بودند. البته از جمله سعادت های او داشتن ندیمی صادق و مشاور فاضل و شاعر ارجمندی چون امیر کبیر نظام الدین علیشیر نوایی بود. ندیمی که سلطان حسین همواره در مورد او با مهر سخن می گفت و نسبت او را با خود چون هارون برای موسی می دانست. در واقع؛ امیر علی شیر نوایی که خود به دو زبان پارسی و ترکی شعر می سرود مشوق عمده فاضلان و اندیشمندان آن روزگار در تالیف و تصنیف و دوستدار شاعران و همچنین از بانیان بزرگ آثار خیر بود. حتی برابر با نوشته های کتاب ارزشمند روضة الصفا به توسط میرخواند به سبب کرامات و عنایات او بوده است.

دربار بایقرا

در دربار سلطان حسین بایقرا علاوه بر دانشمندان فرهیخته چون امیر علی شیر نوایی؛ فرزاندانی چون مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی و دو تاریخ نگار نامی؛ میرخواند و خواندمیر و صورتگر و نقاش بزرگ؛ بهزاد نیز به سر می



بردند. آنچه مشخص است در روزگار فرمانروایی او دگر بار درخت دانش بالیدن آغاز نمود و البته صدق این مدعا از گفتار های نویسندگان و تاریخ نگاران که همگی او را به عنوان فرد ادیب؛ شاعر و حامی دانشمندان و هنرمندان و همچنین فرد شجاع و سخاوتمند و عادل یاد کرده اند نیز بر می آید. چنانکه؛ امیر علی شیر نوایی در مجالس النفائس خویش او را چنین توصیف نموده است: «ابر گوهر بار فضای آسمان سخاوت؛ سرو بلند بوستان عدالت؛ رستم دستان معركة رزم و کوشش؛ حاتم زمان بزم و بخشش؛ نکته دان سحرساز عالم فصاحت و معجزه پرداز جهان بلاغت»

پایان بخش دوم

ادامه دارد

بخش اول این سلسله فرهنگی کم نظیر را که در باره (ظهیرالدین محمد بابر) است، به کمک لینک (آریانا افغانستان آنلاین) که در ذیل است، مطالعه کرده می توانید:

قسمت اول:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tshehra_haay_t_aarikhi_zahiruddin_baabor_۰۱.pdf